

بررسی عناصر داستانی در داستان‌های معاصر کتاب‌های فارسی دوره دوم متوسطه

مجید سلطانی^۱، مهدی نوروز*^۲، اکبر شعبانی^۳ و بتول فخر اسلام^۴

چکیده

پژوهش‌گران آموزشی بر این باور هستند که شالوده فکری، ملی، فرهنگی، مذهبی و ادبی هر نسلی در دوره کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرد و بخش مهمی از آن بر عهده نظام آموزشی هر کشوری است. کتاب‌های درسی یکی از مهم‌ترین ابزارهای این شکل‌گیری به شمار می‌رود و از این میان کتاب‌های فارسی به سبب توجه به ادبیات داستانی، محملی برای روایت اندیشه‌ها و تخیلات انسانی است. در این پژوهش عناصر داستانی در داستان‌های معاصر کتاب‌های فارسی پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم با روش تحلیل محتوا بررسی شده است. چنین به نظر می‌رسد که مؤلفان به رمان‌ها و داستان‌های بلند بیشتر گرایش دارند. غالب عناصر داستانی به شیوه‌ای تکراری مورد استفاده قرار گرفته است. تلخیص داستان‌های کوتاه در مقایسه با رمان‌ها و داستان‌های بلند با آسیب کمتر عناصر داستانی و محتوایی همراه بوده است. در داستان‌های کتاب‌های درسی تنوع موضوعی وجود ندارد. از این رو تنوع داستانی نیز به چشم نمی‌خورد.

کلیدواژه‌ها: کتاب‌های درسی، فارسی، دوره دوم متوسطه، ادبیات داستانی معاصر، عناصر داستان.

^۱ - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

^۲ - گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. (نویسنده مسئول)

mahdinovrooz@yahoo.com

^۳ - گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

^۴ - گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

۱ - مقدمه

برنامه‌های درسی به عنوان قلب نظام تعلیم و تربیت، ابزاری در جهت تحقق اهداف آموزش و پرورش به حساب می‌آیند، به عبارت دیگر یکی از عوامل مهم که جزء لاینفک نظام آموزشی می‌باشد، کتب درسی است. «در کشور ما فعالیت‌های آموزشی در چهارچوب کتاب درسی تحقق می‌یابد. معلمان فعالیت‌های خود را بر محور کتاب درسی متمرکز می‌کنند، امتحان و ارزشیابی عمدتاً محدود به مطالب کتاب درسی است. از این رو وسیله آموزش در نظام تعلیم و تربیت دارای نقش بسیار مهمی است و کتب‌های درسی به خاطر اهمیت زیادی که در تحقق اهداف آموزشی دارند، کانون توجه تمامی دست‌اندرکاران آموزش و پرورش می‌باشد.» (یارمحمدیان، ۱۳۷۷: ۱۴۲)

«تدوین کتاب‌های درسی با تأسیس مدارس جدید آغاز گردید. در برنامه درسی این مدرسه‌ها مواد آموزشی گنجانده شده بود که عموماً کتابی پیرامون آن در ایران وجود نداشت. بنابراین از نخستین سال گشایش دارالفنون، معلمان به نگارش کتاب‌های تازه پرداختند، کتاب‌هایی که همگی در چاپخانه دارالفنون به چاپ می‌رسید.» (آدمیت، ۱۳۲۸: ۳۷۲ - ۳۴۹)

کتاب‌های فارسی از حیث تنوع موضوعی یکی از کتاب‌های غنی مجموعه کتب درسی است. مباحث ادبی، دینی، پژوهشی از موضوعاتی به شمار می‌روند که در کتب فارسی مورد توجه قرار می‌گیرند. یکی از متون مندرج در کتاب‌های فارسی داستان است. داستان‌های کتاب درسی اگر منطبق با اصول ادبی، تربیتی و روان‌شناسی انتخاب شوند، می‌توانند سبب شکوفایی شخصیت کودک و نوجوان گردند و اندیشه، زبان و عاطفه وی را تحت تأثیر قرار دهند. هدف اصلی این پژوهش بررسی عناصر داستانی در داستان‌های معاصر کتاب‌های فارسی دوره دوم متوسطه است. نگارندگان با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای به مطالعه و استخراج داده‌ها و بررسی آنها پرداخته‌اند.

ضرورت و اهمیت تحقیق

تجربه نشان داده است یکی از راه‌های ماندگاری آثار ادبی، ورود این آثار به کتاب‌های درسی است. مطالعه و بررسی داستان‌های مندرج در کتاب‌های درسی به شناخت بیشتر محتوایی که در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد، منجر می‌شود. این که آیا تلخیص و کوتاه کردن داستان‌ها به

نقص عناصر داستانی آنها منجر می‌شود؟ آیا با برجسته‌سازی بخش‌هایی از داستان، پیرنگ، شخصیت‌پردازی و گفت‌وگو دستخوش تغییر و دگرگونی شده است؟ این پرسش‌ها ضرورت و اهمیت این پژوهش را بر ما روشن می‌کند.

سؤالات تحقیق

مقاله حاضر پژوهشی است، درباره ادبیات داستانی معاصر در کتاب‌های فارسی دوره دوم متوسطه. و در پی پاسخ‌گویی به این سؤالات هستیم که:

۱- عناصر داستانی در داستان‌های کتاب‌های فارسی پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم به چه شکل ارائه شده است؟

۲- تلخیص داستان‌ها به عناصر داستانی و محتوای داستان‌ها چه میزان آسیب رسانده است؟

۳- در کتاب‌های درسی چقدر به داستان‌های متفاوت با عناصر خلاقانه توجه شده است؟

پیشینه تحقیق

تاکنون آثار گوناگونی درباره کتاب‌های درسی و به ویژه کتاب‌های فارسی، نگاشته شده است. که از آن میان می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد: «چالش‌های زبانی (نگاهی انتقادی به کتاب‌های زبان فارسی دوره دبیرستان)»، نوشته توحید یوزباشی، مجله رشد آموزش زبان فارسی شماره ۷۱، ۱۳۸۳، بررسی میزان انطباق محتوای کتاب‌های درسی زبان فارسی دوره راهنمایی با هویت ملی در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸» نوشته هاجر کلاته میمری. استاد راهنما: حسین قاسم پور اقدم. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور. ۱۳۹۰ و «بررسی داستان کوتاه در کتاب‌های چهارساله دبیرستان». ۱۳۸۶. نوشته صمد رحمانی خیایوی. نشریه آموزش زبان و ادب فارسی. سال هفتم. شماره ۶۶.

همچنین گروه ادبیات آموزش و پرورش تهران در وبلاگی به نشانی <http://www.sazmanadab.blogfa.com/post/25> به نقد و بررسی داستان‌های مندرج در کتاب‌های درسی دوره متوسطه نظام قدیم پرداخته‌اند.

مطالعه پژوهش‌ها و کوشش‌های مذکور نشان داد که رویکرد پژوهشگران غالباً معطوف به تدوین مباحث و چگونگی ارائه آن و مضمون و محتوای داستان‌های مندرج در کتاب‌های درسی (اعم از نظم و نثر و کلاسیک و معاصر) است. بررسی‌ها نشان داده است که تاکنون پژوهشی در باره بررسی ادبیات داستانی معاصر فارسی با رویکرد بر عناصر داستانی در کتاب‌های فارسی دوره دوم متوسطه انجام نشده است.

مبانی نظری تحقیق

۲- داستان

میرصادقی داستان را اساس همه انواع ادبیات داستانی و مصداقی کلی‌تر و جامع‌تر برای «قصه»، «داستان کوتاه»، «رمانس» و «رمان» می‌داند. (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۷۶) فورستر نگاه متفاوتی به مقوله داستان دارد: «داستان نقل رخدادها با رعایت توالی زمانی است.» (فورستر، ۱۳۵۷: ۳۳)

۲-۱) عناصر داستان

یکی از شیوه‌های شناخت داستان بررسی تفکیکی اجزای آن و ترکیب آن اجزا در کلیت داستان است. پس می‌توانیم شگردهای نویسنده و کاربرد عناصر داستانی را در اثر او دقیق‌تر بررسی کنیم:

۲-۱-۱) پیرنگ و اجزای آن (Plot)

«پیرنگ» از دو کلمه «پی» + «رنگ» تشکیل شده و به معنای بنیاد، نقش و شالوده طرح است. پیرنگ وابستگی موجود حوادث داستان را به طور عقلانی تنظیم می‌کند. (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۶۴) میرصادقی می‌گوید: «پیرنگ بر دو نوع است: پیرنگ باز و پیرنگ بسته. در پیرنگ باز نظم طبیعی حوادث بر نظم ساختگی و قراردادی آن غلبه دارد. پیرنگ بسته، پیرنگی است که از کیفیتی پیچیده و تودرتو و خصوصیات فنی نیرومند برخوردار باشد.» (همان: ۷۹)

۲-۱-۲) شخصیت و شخصیت‌پردازی (Characterization)

«اشخاص ساخته شده ای را که در داستان و نمایشنامه ظاهر می‌شوند، شخصیت می‌نامند.» (همان: ۵-۸۴) برای نمایاندن ابعاد گوناگون شخصیتی اشخاص داستان از شگردهای مختلفی

استفاده می شود. این شگردها به دو روش مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می شوند. داستان‌هایی که تلفیقی از شیوهء مستقیم و غیرمستقیم باشند در شخصیت پردازی موفق‌تر هستند.

۲ - ۱ - ۳ زاویه دید (Point of view)

«زاویه دید در لغت به معنی محل و گوشه است و پنجره‌ای است که نویسنده پیش روی خواننده می‌گشاید تا او از آن جایگاه حوادث داستان را ببیند.» (داد، ۱۳۸۳: ۳۶۰)

«هایر هوارد» در تعریف زاویه دید بر شیوهء بیانی تأکید کرده است و می‌گوید: «زاویه دید نشان‌دهندهء شیوهء بیان است. روشی که نویسنده از طریق آن شخصیت‌ها، گفت‌وگوها، اعمال، زمان و مکان و رویدادهایی که مجموعاً روایت را در یک اثر داستانی تشکیل می‌دهد به خواننده ارائه می‌کند.» (هایر هوارد، ۱۳۸۶: ۳۷۲)

۲ - ۱ - ۴ صحنه و صحنه پردازی (Setting)

«عامل صحنه اساساً دو بعد زمان و مکان قصه را آشکار می‌کند. صحنه موقعیت شخصیت‌ها را در مکان توجیه می‌کند. جابه‌جایی مکان در هویت و رفتار و منش و گفتار شخصیت‌ها و همین‌طور دیگر عناصر تأثیر می‌گذارد. زمان نیز در مقولهء صحنه‌سازی امری مهم و قابل توجه است. زمان بعدی از صحنه است که هویت تاریخی و جایگاه اندیشه و موقعیت شخصیت‌ها را آشکار می‌کند.» (یوسفی، ۱۳۸۷: ۱۳۱-۱۲۹)

۲ - ۱ - ۵ گفت و گو (Dialogue)

گفت و گو عنصر مهمی از داستان کوتاه یا رمان را تشکیل می‌دهد. «نویسندگان از دو گونه گفت‌وگو در داستانهای خود استفاده می‌کنند، گفت‌وگویی که فکر و اندیشه را مستقیم ارائه می‌کند و گفت‌وگویی که بیشتر جنبهء نمایشی (تئاتری) دارد و افکار و اندیشه‌ها و منظور نویسنده را به طور غیرمستقیم بیان می‌کند.» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۴۷۸)

۳ - ادبیات داستانی در کتاب‌های درسی

با نگاهی به داستان‌های موجود در کتاب‌های فارسی دورهء دوم متوسطه (دهم، یازدهم و دوازدهم) می‌بینیم که ادبیات داستانی به چند گروه تقسیم می‌شود: ۱) داستان‌های بلند کلاسیک

فارسی (به نظم و نثر) (۲) داستان‌های کوتاه کلاسیک فارسی (۳) داستان‌های بلند معاصر فارسی (رمان) (۴) داستان‌های کوتاه معاصر فارسی (۵) داستان‌های بلند ادبیات جهان (۶) داستان‌های کوتاه ادبیات جهان. در این پژوهش مورد سوم و چهارم داستان‌های بلند و کوتاه معاصر فارسی را در کتاب‌های فارسی دوره متوسطه دوم بررسی می‌کنیم.

۴ - بررسی عناصر داستانی در داستان‌های معاصر کتاب‌های فارسی دوره دوم متوسطه

۴ - ۱) داستان خسرو

داستان درباره پسری به نام «خسرو» است. پسری با استعداد در ادب و هنر و ورزش. وی پس از ترک تحصیل به ورزش کشتی روی می‌آورد و به موفقیت‌هایی نیز می‌رسد اما دوستان ناباب و حسودان تنگ‌نظر وی را به بساط لهو و لعب می‌کشاند و می‌نشانند. خسرو در مسابقات سال بعد شکست می‌خورد و ورزش را کنار می‌گذارد. این شکست سبب تضعیف روحیه و عامل اعتیاد او می‌شود. عاقبت خسرو در گوشه‌ای تنها جان می‌سپارد و آن همه ذوق و قریحه و استعداد را به خاک می‌برد.

۴- ۱ - ۱) نگاهی به عناصر داستانی داستان «خسرو»

۴ - ۱ - ۱ - ۱) پیرنگ

راوی در ابتدای داستان به شناخت سه ساله خود از «خسرو» اشاره می‌کند. همین شناخت دلیلی برای ارائه اطلاعاتی است که در ادامه از این شخصیت به ما می‌رسد. نویسنده در میانه داستان به ضعف خسرو در درس ریاضی اشاره می‌کند و این ضعف زمینه‌ساز یکی از حوادث مهم داستان؛ ترک تحصیل خسرو است. یکی دیگر از حوادث مهم داستان؛ شکست خسرو در مسابقات کشتی است. این شکست به اعتیاد و در نهایت مرگ او منجر می‌شود.

۴ - ۱ - ۱ - ۲) شخصیت‌پردازی

شخصیت اصلی داستان «خسرو» است. مخاطب به واسطه توصیف‌های مستقیم و غیرمستقیم با او آشنا می‌شود. خسرو در جریان داستان پرورده‌تر می‌شود. اما یکی از ضعف‌های

شخصیت پردازی خسرو، بی توجهی به کنش های وی است. خسرو علی رغم موفقیت های خود، شخصیتی منفعل دارد و مخاطب هیچ حرف و سخنی به جز جملات پایان درس از وی نمی شنود.

۴ - ۱ - ۱ - ۳) صحنه پردازی

اگرچه نویسنده به طور جزئی و دقیق به زمان و مکان اشاره نکرده اما نشانه هایی در متن موجود است که زمان و مکان وقوع داستان بر مخاطب روشن می گردد. فراگیر بودن موضوع داستان یکی از مهم ترین دلایلی است که نویسنده به وضوح به زمان و مکان اشاره نکرده است.

۴ - ۱ - ۱ - ۴) زاویه دید

داستان از نگاه اول شخص روایت می شود. راوی آن گونه که خود روایت می کند از سال چهارم تا ششم ابتدایی با خسرو هم کلاس بوده است. داستان شرح دیده ها و شنیده های این راوی نوجوان است.

۴ - ۱ - ۱ - ۵) گفت و گو

یکی از عناصر داستانی کمرنگ در داستان «خسرو» عنصر «گفت و گو» است. نویسنده بار مجراهای داستان را بر دوش توصیفات انداخته است و ما کمتر از ده جمله گفت و گویی در این داستان می بینیم. غالب این جملات کوتاه هستند و نثری شاعرانه دارند.

تحلیل

داستان «خسرو» نوشته عبدالحسین وجدانی، محتوایی تعلیمی دارد. این اثر به اعتیاد و آثار خانمان سوز این معضل می پردازد. راوی از نگاه و دریچه ذهنی یک نوجوان، ابتدا به خصایص خسرو اشاره می کند و در ادامه به گرفتاری او در چنگ اعتیاد می پردازد. شخصیت های نوجوان داستان و درد مشترک و فراگیر اعتیاد در دوره های گوناگون، دلایل مناسبی برای درج این داستان در کتاب درسی است.

نثر داستان آهنگین و در برخی قسمت ها متأثر از نثر گلستان است. «دی که از دبستان به سرای می شدم، در کنج خلوتی از برزن، دو خروس را دیدم که بال و پر افراشته، در هم آمیخته و گرده برانگیخته اند.» (محمدیان و دیگران، ۱۳۹۶. الف : ۲۰ و ۲۱) اگرچه شماری از واژگان، عبارات و اصطلاحات با فضای ذهنی مخاطب بیگانه است، اما این موارد در متن خوش نشسته اند و به علت قرابت با جملات هم نشین خود، به آسانی معنا می شوند.

داستان، حذفیات کمی دارد. یکی از بخش‌های حذف شده این داستان مربوط به توصیف وجهی دیگر از شخصیت خسرو است. در این بخش اشاراتی به شرارت‌های خسرو می‌رود. اما مؤلفان با حذف این بخش، صرفاً به وجه سفید شخصیت خسرو پرداخته‌اند. همین امر به پرداخته بودن و عمق این شخصیت آسیب رسانده است. از آنجا که این داستان شخصیت محور است و «خسرو» شخصیتی پویا دارد، بایسته بود که به ابعاد گوناگون این شخصیت (چنان که در داستان اصلی این چنین است) توجه می‌شد و مسیر تغییر و دگرگونی او را نشان می‌دادند.

۴ - ۲) شیرزنان ایران

بخشی که در کتاب درسی فارسی دهم آمده است به اسارت راوی می‌پردازد. راوی از احوالات درونی و بیرونی‌اش به هنگام اسارت می‌گوید. وی مشاهدات خویش را از شکنجه اسرای دیگر و دیدار با هیأت صلیب سرخ روایت می‌کند.

۴ - ۲ - ۱) نگاهی به عناصر داستانی

۴ - ۲ - ۱ - ۱) پیرنگ

از آنجا که هدف اصلی این اثر، اشاره به خاطرات جنگ و دوران اسارت است، پیرنگی منسجم و منطقی را نمی‌یابیم. علاوه بر این، متن برشی از متن اصلی است. نویسنده پیوستگی و نظم زمانی روایت را به خوبی رعایت کرده است.

۴ - ۲ - ۱ - ۲) شخصیت پردازی

نویسنده در این اثر صرفاً به بازگویی خاطرات بسنده نکرده است. یکی از عناصر داستانی که در این اثر به خدمت گرفته شده، عنصر شخصیت‌پردازی است. توصیفات مستقیم و غیرمستقیمی که از اشخاص داستان ارائه می‌شود، مخاطب را با متن همراه تر می‌کند.

۴ - ۲ - ۱ - ۳) صحنه پردازی

از آنجا که این متن، متنی مستند است، مخاطب با اشارات مستقیم به زمان و مکان وقوع رخدادها، روبه‌رو است. اشارات مستقیم و غالباً دقیق کتاب سبب شده تا این اثر از نظر تاریخی نیز

حائز اهمیت باشد. البته در متن اصل کتاب نویسنده برخی مکان‌ها و زمان‌ها را براساس شنیده‌های خود توصیف می‌کند که این مورد به مستندسازی و وقوع دقیق رخدادها آسیب رسانده است.

۴ - ۲ - ۱ (۴) زاویه دید

نویسنده برای بیان خاطرات خویش یکی از بهترین روایت‌ها را برگزیده است، روایت «اوّل شخص» برای این اثر، روایتی منطقی و تأثیرگذار است.

۴ - ۲ - ۱ (۵) گفت‌وگو

یکی از نقاط ضعف این اثر گفت‌وگوهاست. ما در گفتگوها فردیت را نمی‌بینیم. شخصیت‌ها به تشخیص زبانی نرسیده‌اند و همه شبیه به هم سخن می‌گویند.

تحلیل

«شیر زنان» ایران برگرفته از کتاب «من زنده‌ام» نوشته معصومه آباد است. این اثر دربردارنده خاطرات نویسنده از جنگ است. نویسنده با بهره‌گیری از عناصر داستانی، واقعیت و تجارب زیسته خود را در هم می‌آمیزد و به آن رنگ و بویی داستانی می‌بخشد. یکی از مهم‌ترین بخش‌های این متن توصیفات دقیق آن است که باورپذیری تجربه زیسته راوی را به همراه دارد. غالب این توصیفات به زمان و مکان رخدادها می‌پردازد. «قطع برق، هنگام حمله هوایی، بیمارستان را ناچار به استفاده از برق اضطراری می‌کرد. تخت‌ها کفاف مجروحان را نمی‌داد.» (محمّدیان و دیگران، ۱۳۹۶. الف: ۸۶)

۴ - ۳ (۳) اوّلین روزی که به خاطر دارم

داستان درباره پنج نوجوان است که سه روز پیش از اوّل فروردین به گردش می‌روند. آن‌ها با یکدیگر عهد می‌بندند که در تمام احوال و انقلابات روزگار از یکدیگر حمایت کنند و به پیمان دوستی خویش وفادار بمانند.

۴ - ۳ - ۱ (۱) نگاهی به عناصر داستانی

۴ - ۳ - ۱ (۱) پیرنگ

در این درس بخشی از داستان انتخاب شده است و به همین دلیل ما با داستانی ابتر روبه‌رو هستیم که پیرنگی ناقص دارد. مهم‌ترین لوازم پیرنگ که گره‌افکنی، کشمکش، اوج، گره‌گشایی، روابط علی و معلولی است، در این داستان به چشم نمی‌خورد.

۴-۳-۱-۲) شخصیت‌پردازی

چنان که گفتیم ما در این درس بریده‌ای از یک داستان را می‌خوانیم. اشخاص در این داستان نقش و کارکردی یکسان دارند. نویسنده به شیوه‌های مستقیم و غیر مستقیم (از طریق گفت‌وگوها) شخصیت‌ها را معرفی کرده است.

۴-۳-۱-۳) صحنه‌پردازی

نویسنده مکان داستان را به شیوه مستقیم شرح داده است. این شرح و پرداخت‌ها به فضاسازی اثر کمک کرده است. زمان در داستان اصلی (و نه در متن بریده درس) نقشی کلیدی دارد.

۴-۳-۱-۴) زاویه دید

داستان از زبان اول شخص روایت می‌شود. انتخاب این زاویه دید همسویی و همراهی بیشتر مخاطب با نوجوانان داستان را در پی دارد. مخاطب از زاویه نگاه یک نوجوان با خواسته‌ها، علایق و دغدغه‌های آنها آشنا می‌شود.

۴-۳-۱-۵) گفت‌وگو

گفت‌وگوهای این داستان با همان زبان توصیف‌ها ارائه شده است. بدین معنا که گفتارها به دور از محاوره‌گویی‌های معمول است. نویسنده با توجه به خصوصیت شخصیت‌ها، زبان مناسبی برای آنها برگزیده است.

تحلیل

یکی از مهم‌ترین خصیصه‌های داستان «اولین روزی که به خاطر دارم» نثر پاکیزه آن است. نویسنده با دقت به انتخاب واژگان پرداخته است. توصیف در این داستان چشمگیر است هرچند بخش‌هایی از این توصیفات در داستان‌نویسی امروزی جایگاهی ندارد. حضور شخصیت‌های نوجوان و تمرکز بر دوستی و همراهی ایشان در جذب مخاطب نوجوان تأثیرگذار است؛ اما گفت‌وگوهای خشک و رسمی و پندهای مستقیم برای نوجوان امروز جاذبه‌ای ندارد.

۴- ۴) آغازگری تنها

داستان به گوشه‌ای از زندگی عباس میرزا شاهزاده قاجاری می‌پردازد. نویسنده با اشاراتی به اوضاع و احوال ایران در آن روزگار به نقش عباس میرزا و دغدغه‌های وی برای ساختن ایرانی آباد و پیشرفته می‌پردازد. همچنین بخش‌هایی که در این درس آمده، گریزی به ارتباط مرید و مرادی میان عباس میرزا و قائم مقام فراهانی دارد.

۴- ۴- ۱) نگاهی به عناصر داستانی

۴- ۴- ۱- ۱) پیرنگ

داستان برگرفته از ماجرای تاریخی است. در داستان‌هایی با این ویژگی، وفاداری حائز اهمیت است. روایتی که در این درس خواندیم، برشی از یک کتاب داستان است و متن بریده شده، فاقد پیرنگی محکم است.

۴- ۴- ۱- ۲) شخصیت پردازی

در این بریده داستان، نقش عباس میرزا پررنگ‌تر از سایرین وصف شده است و چنان که برمی‌آید در متن کامل و اصلی نیز همین‌گونه است.

۴- ۴- ۱- ۳) صحنه پردازی

مکان و زمان در این داستان نقشی کلیدی دارد. نویسنده در جای جای داستان به مکان رخدادها اشاره می‌کند. پاره‌ای از زمان‌ها به شکل تقریبی بیان می‌شود.

۴- ۴- ۱- ۴) زاویه دید

داستان از زبان سوم شخص روایت می‌شود. راوی با اشراف بر تاریخ و رخدادها به بازگو کردن داستان می‌پردازد. لحن راوی در برخی قسمت‌ها متن را از داستان بودن جدا می‌کند و به گزارش نزدیک می‌شود. مانند: «یک قرن بیشتر است که اختلافات و جنگ‌های داخلی مثل کاردی بر پهلوی این کشور نشسته است.» (محمدیان و دیگران، ۱۳۹۶، ب: ۷۲)

۴- ۴- ۱- ۵) گفت‌وگو

برش داستانی که در این درس با آن روبه‌رو هستیم، فاقد عنصر گفت‌وگو است. متن سرشار از توصیف است و در پی آن است که اطلاعات تاریخی به مخاطب بدهد.

تحلیل

عباس میرزا از معدود شاهزادگان قاجاری بود که در پی اصلاح جامعه آن روزگار برآمد. با توجه به مستندات تاریخی وی تلاش‌هایی برای نزدیک شدن به مردم و شنیدن صدای ایشان را داشت. هرچند به سبب مرگ زودهنگام ناکام ماند. این درس برشی از داستان اصلی را برگزیده که به دوره نوجوانی عباس میرزا اختصاص یافته است. این انتخاب با توجه به مخاطبان متن، انتخابی هوشمندانه است. متن با توصیف ظاهر عباس میرزا شروع می‌شود. از همان آغاز اطلاعاتی متعدد و فشرده در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد که به رخدادهای تاریخی اشاره دارد و به منظور آماجگی ذهنی مخاطبان آمده است. از جمله این رخدادهای، اعطای نشان ولایتعهدی به عباس میرزا، رهسپاری به دارالسلطنه تبریز، دست‌درازی همسایه شمالی ایران به تبریز، کشته شدن آغامحمدخان، اختلافات و جنگ‌های تاریخی، نفوذ اروپاییان (محمّدیان و دیگران، ۱۳۹۶. ب: ۷۲) شایسته بود مؤلفان بخش‌های داستانی را نیز در این متن می‌گنجاندند تا مخاطبان متنی صرفاً تاریخی را نخوانند.

۴-۵) قصه عینکم

«قصه عینکم» روایت‌گر گوشه‌ای از زندگی نوجوانی است که ضعف بینایی دارد. راوی به زبانی طنز، گوشه‌ای از مشکلات خویش را برای ما روایت می‌کند. او از روزهایی می‌گوید که نمی‌دانست بخشی از مشکلاتش ناشی از ضعف بینایی‌اش است. یک روز مهمانی به خانه آنها می‌آید و راوی برای تفریح عینک مهمان را به چشم می‌زند و ناگهان تغییر بینایی را احساس می‌کند. همه چیز را به شکلی که هست، می‌بیند و پس از آن با آن عینک به کلاس درس می‌رود و با زبانی طنز، ماجراهای کلاس را وصف می‌کند. در پایان، راوی عینک می‌خرد و عینکی می‌شود.

۴-۵-۱) نگاهی به عناصر داستانی

۴-۵-۱-۱) پیرنگ

اجزای پیرنگ در این داستان به خوبی کنار هم چیده شده‌اند. گره افکنی در این داستان مشکلاتی است که به سبب ضعف راوی برای او پیش می‌آید. در ادامه کشمکش، تعلیق، اوج و

گره‌گشایی را شاهدیم. روابط علی و معلولی نیز در داستان برقرار است و سیر اتفاقات با نظم و منطق داستان هماهنگ است.

۴-۵-۱) شخصیت‌پردازی

شخصیت اصلی این داستان راوی است. این شخصیت به شیوه غیرمستقیم وصف شده است. مخاطب راوی را از خلال کنش‌ها، واکنش‌ها و تک‌گویی‌ها می‌شناسد.

۴-۵-۱) صحنه‌پردازی

عنصر مکان در این داستان بیش از عنصر زمان خودنمایی می‌کند. به مکان‌هایی مانند خانه، مدرسه و کلاس درس در این داستان پرداخته شده است. در ابتدای داستان به زمان اشاره شده است. راوی می‌گوید: «به قدری این حادثه زنده است که از میان تاریکی‌های حافظه‌ام روشن و پرفروغ مثل روز می‌درخشد. گویی دوساعت پیش اتفاق افتاده، هنوز در خانه اول حافظه‌ام باقی است. تا آن روزها که کلاس هشتم بودم، خیال می‌کردم عینک مثل تعلیمی و کراوات یک چیز فرنگی‌مآبی است که مردان متمدن برای قشنگی به چشم می‌گذارند.» (محمّدیان و دیگران، ۱۳۹۶، ب: ۱۲۲)

۴-۵-۱) زاویه دید

داستان از زبان اول شخص روایت می‌شود. راوی به بازگویی مشکلاتی می‌پردازد که به سبب ضعف بینایی برای او پیش آمده است. «من راوی» انتخاب هوشمندانه‌ای بوده است و هم ذات‌پنداری و همراهی بیشتر مخاطب را به همراه دارد.

۴-۵-۱) گفت‌وگو

«گفت‌وگو» در این داستان مجالی برای پرداخت، نیافته است. از آن‌جا که راوی داستان «اول شخص» است، رخدادها، موقعیت‌ها و اشخاص داستان از دریچه نگاه او روایت می‌شود به همین سبب به عنصر «گفت‌وگو» برای پیشبرد حوادث نیاز چندانی نبوده است. علاوه بر این بیان خاطره‌وار این داستان نیز توجیهی بر کمبود گفت‌وگوهاست.

تحلیل

داستان با زبانی طنز روایت می‌شود. «قصه عینکم» ساختاری خاطره‌وار دارد. پایان داستان معلول ماجراهایی است که پیش از این روایت شده است. پرویزی با زبانی ساده و صمیمی واقعیت‌های جامعه آن روزگار را برای مخاطب ترسیم می‌کند. این توصیفات به خوبی در بافت داستان نشسته و خللی به روایت وارد نکرده است. داستان به بیان فقر اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه می‌پردازد.

حذفیات این داستان غالباً در قسمت‌هایی است که راوی به توصیف ماجراهای کم‌بینایی خود پرداخته است. این بخش‌ها در صورت عدم حذف به قوت اثرگذاری پایان داستان منجر می‌شد. همچنین قسمت‌هایی که به توصیف شخصیت‌های دیگر داستان اختصاص داشت، در این درس حذف شده است. این بخش‌ها در صورت عدم حذف به فضاسازی داستان کمک شایانی می‌کردند.

۴-۶ دیدار

برشی که از این داستان در این درس انتخاب شده به سال‌های جوانی امام خمینی (ره) می‌پردازد. وقتی که ایشان طلبه جوانی بود و به دیدار آیت‌الله مدرس رفت. این داستان شرح گفت‌وگوی آیت‌الله مدرس و امام خمینی (ره) است.

۴-۶-۱ نگاهی به عناصر داستانی

۴-۶-۱-۱ پیرنگ

از آنجا که با بریده‌ای از داستان روبه‌رو هستیم، نمی‌توان عنصر پیرنگ را در این بریده بررسی کرد.

۴-۶-۱-۲ شخصیت‌پردازی

شخصیت اصلی این داستان امام خمینی (ره) است. داستان اصلی به ابعاد گوناگون زندگی ایشان پرداخته است و ما در این درس با گوشه‌ای از سلوک رفتاری و عقاید ایشان آشنا می‌شویم.

۴-۶-۱-۳ صحنه‌پردازی

نویسنده با بخش‌بندی داستان، مکان و زمان را برای مخاطب روشن کرده است. اگرچه در این گونه داستان‌ها مکان و زمان از عناصر کلیدی محسوب می‌شوند و حضور پررنگ و تأثیرگذار در وقایع دارند؛ اما نویسنده به فضا سازی توجهی نشان نداده است. در بخش‌هایی از داستان امکان فضا سازی بیشتر وجود داشته؛ اما نویسنده از پرداخت‌های این چنین اجتناب کرده است.

۴-۶-۱ (۴) زاویه دید

داستان اصلی دو زاویه دید دارد. دیدار اوّل از نگاه اوّل شخص روایت می‌شود و از دیدار دوم و دیدار سوم راوی به سوم شخص مفرد از نوع دانای کلّ بدل می‌گردد. بهره‌گیری از این شیوه و چرخش روایتی می‌تواند ما را با ابعاد گوناگون اشخاص داستان بیشتر آشنا کند. در متنی که در این درس با آن روبه‌رو هستیم، راوی دانای کلّ و آگاه به خصایص بیرونی و درونی شخصیت‌هاست.

۴-۶-۱ (۵) گفت‌وگو

عنصر «گفت‌وگو» یکی از عناصری است که حضوری پررنگ و اثرگذار در این داستان دارد. عمده شخصیت‌پردازی‌ها در این داستان با بهره‌گیری از گفت‌وگو انجام شده است. برخی از جملاتی که از زبان شخصیت‌ها بیرون می‌آید باورپذیر نیستند و به همین دلیل شعارگونه شده‌اند.

تحلیل

داستان با زبانی روان و پخته در بستر تاریخ روایت می‌شود. این گونه داستان‌ها نباید ساختار و قالب داستانی خود را از دست بدهند و روایتی صرفاً تاریخی ارائه دهند. در بخش‌هایی از داستان و به ویژه در گفت‌وگوها بسامد بحث‌های اعتقادی و سیاسی بالا می‌رود و این بریده کوتاه داستانی به مرام‌نامه سیاسی و اعتقادی نزدیک می‌شود. «جناب مدرس در کوچه و بازار می‌گویند که شما مشکلاتان با رضاخان میرپنج در این است که سلطنت را می‌خواهید، نه جمهوری را و اعتقاد به بقای خاندان سلطنت دارید و نظام شاهنشاهی را موهبتی الهی می‌دانید. حال آنکه رضاخان میرپنج و سیدضیا و بسیاری دیگر می‌گویند که کار سلطنت، تمام است و عصر جمهوری فرارسیده است.» (محمدیان و دیگران، ۱۳۹۶. ب : ۱۳۲) نویسنده به گفت‌وگوها و پیش‌برد آنها مسلط است؛ اما گاه این گفت‌وگوهای طولانی و تکراری داستان را ملال‌آور کرده است.

۴-۷) جاسوسی که الاغ نبود

داستان از زبان شخصیتی به نام احمد روایت می‌شود که قرار است بخشی از محدوده را در برابر دشمن مین‌گذاری کند. تعداد مین‌ها کم است. احمد و دوستش مین‌ها را بار الاغ می‌کنند، اما الاغ فرار می‌کند و به منطقه دشمن می‌رود. از حمله دشمن خبری نیست و پس از مدتی اسیری عراقی به آنها می‌گوید که با ورود الاغی که مین به همراه داشته، عراقی‌ها فکر کرده‌اند مین‌های ایرانیان زیاد است و به همین دلیل از خیر حمله به آن منطقه گذشته‌اند.

۴-۷-۱) نگاهی به عناصر داستانی

۴-۷-۱-۱) پیرنگ

اجزای پیرنگ به روشنی در این داستان قابل تشخیص است. گره‌افکنی، تعلیق، کشمکش، نقطه اوج و گره‌گشایی به چشم می‌خورد. داستان سیر طبیعی و منطقی خویش را طی می‌کند. اگرچه دلیل پاره‌ای از رخدادها به روشنی بیان نمی‌شود و این مسأله به قوت پیرنگ آسیب رسانده است.

۴-۷-۱-۲) شخصیت‌پردازی

شخصیت اصلی داستان جوانی به نام «احمد» است. مخاطب از طریق گفت‌وگوها با این شخصیت و سایر اشخاص داستان آشنا می‌شود. نویسنده از دیگر روش‌های شخصیت‌پردازی استفاده نکرده است. فردیت شخصیت‌ها به میزان قابل توجهی حفظ شده است.

۴-۷-۱-۳) صحنه‌پردازی

اگرچه مکان و زمان داستان به روشنی بیان نشده است اما به قرینه معنوی زمان تقریبی داستان را می‌دانیم. به زمان جزئی روایت توجهی نشده است. اگرچه مکان در این داستان نقشی مهم دارد اما نویسنده توجهی به این عنصر نداشته است.

۴-۷-۱-۴) زاویه دید

داستان از زبان اول شخص روایت می‌شود. انتخاب این زاویه دید، انتخابی هوشمندانه بوده است. راوی با زبان طنزانه خویش مخاطب را در جریان رخدادها قرار می‌دهد و مخاطب را با خط فکری و روایی خویش همسو می‌کند.

۴ - ۷ - ۱ - ۵) گفت و گو

«گفت و گو» کلیدی ترین عنصر این داستان است. این عنصر حضور کمرنگ دیگر عناصر را جبران کرده است. شخصیت پردازی و توصیفات و سایر اطلاعات داستان از خلال گفت و گو به مخاطب ارائه می شود.

تحلیل

نویسنده با زبانی طنزانه رخدادهایی هیجان انگیز را در سبک و سیاقی داستانی روایت کرده است. رخدادهای و شخصیت پردازی بیشتر از طریق گفت و گوها به تصویر کشیده شده اند. پایان بندی داستان با غافلگیری همراه بود که وجه طنز داستان را بیشتر نشان می داد. از آنجا که متون دفاع مقدس که در کتاب های درسی گنجانده شده، جدی و غم انگیز است، انتخاب داستان هایی با رویکرد طنز و هیجان انگیز، دانش آموزان را با وجه دیگری از رخدادهای جنگ و ادبیات دفاع مقدس آشنا می کند.

۴ - ۸ آن شب عزیز

داستان از زبان جوانی به نام احمد روایت می شود. وی در این داستان از ملاقات خود با معلمش در جبهه های جنگ می گوید. ارادت احمد به معلم و سلوک مراد و مریدی بخش غالب این داستان را در برگرفته است. داستان با شهادت معلم و برگشت به زمان حال به پایان می رسد.

۴ - ۸ - ۱) نگاهی به عناصر داستانی

۴ - ۸ - ۱ - ۱) پیرنگ

داستان روایتی خطی و ساده دارد و خاطره وار است به همین دلیل نمی توان ردپاهای مشخصی از پیرنگ را در آن جست و جو کرد.

۴ - ۸ - ۱ - ۲) شخصیت پردازی

شخصیت «احمد» و «معلم احمد» به یک اندازه در داستان پرداخته شده اند؛ اما صحبت و تمرکز بیشتر بر روی شخصیت «معلم» است. نویسنده با بهره گیری از شیوه های مستقیم و غیرمستقیم، شخصیت معلم را پرداخته است. احمد به شیوه غیرمستقیم شخصیت پردازی شده است.

۴ - ۸ - ۱ - ۳) صحنه‌پردازی

نویسنده به عنصر مکان بیش از عنصر زمان توجه داشته است. هرچند گذشته‌نمایی (فلاش‌بک) و آینده‌نمایی (فلاش‌فوروارد) که در داستان مشاهده می‌کنیم، نقش عنصر زمان را در این داستان برجسته کرده است.

۴ - ۸ - ۱ - ۴) زاویه دید

داستان از زبان اول شخص روایت می‌شود. منِ راوی به بیان دغدغه‌ها، آرزوها و خواسته‌های خویش می‌پردازد. مخاطب رخدادهای و شخصیت‌ها را از نگاه چشمِ راوی می‌بیند و می‌شناسد.

۴ - ۸ - ۱ - ۵) گفت‌وگو

«گفت‌وگو» در داستان کمرنگ است و نویسنده توجه زیادی به این عنصر نداشته است. هرچند داستان و مضمون روایت، کاربرد کم گفت‌وگو را توجیه کرده است.

تحلیل

نویسنده با بهره‌گیری از زبانی شاعرانه و روان داستانی حوزه دفاع مقدس را به تصویر کشیده است. داستان با تک‌گویی آغاز می‌شود و جملاتی که در این تک‌گویی گفته می‌شود، کنجکاوی مخاطب را برمی‌انگیزاند. «من را هم گفتید که بروم، همه را گفتید، اما نمی‌شد آقا! نمی‌توانستم، شما عصبانی شدید، داد زدید، دستور دادید، گفتید که دستور می‌دهید اما باز هم من نتوانستم بروم. بقیه رفتند اما من نتوانستم آقا!» (امینی و دیگران، ۱۳۹۷: ۸۳). از همان ابتدای داستان با دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های راوی آشنا می‌شویم و همین امر ما را به شناخت بیشتر او نزدیک می‌کند. موضوع و مضمون داستان تکراری است و وجه مثبت داستان زبان آهنگین و پاکیزه آن است.

۴ - ۹) کباب غاز

داستان از زبان کارمندی که تازه ترفیع گرفته است، روایت می‌شود. او قرار است مهمانی برای این منظور ترتیب دهد و با کباب غاز از مهمانان پذیرایی کند. تعداد مهمان‌ها زیاد است و خوراک اندک. راوی و پسرعمویش برای این مشکل چاره‌ای می‌اندیشند. داستان با جمله «از ماست که بر ماست» به پایان می‌رسد.

۴ - ۹ - ۱) نگاهی به عناصر داستانی

۴ - ۹ - ۱) پیرنگ

داستان روایتی خطی دارد. اجزای پیرنگ در ساختار روایت به خوبی مشهود است. گره افکنی، کشمکش، تعلیق، نقطه اوج و گره‌گشایی به خوبی پرداخته شده‌اند. داستان سیری منطقی را طی می‌کند.

۴ - ۹ - ۲) شخصیت‌پردازی

«مصطفی» شخصیت اصلی این داستان است و داستان حول محور او و گفتار، رفتار و کردارش می‌گردد. نویسنده با بهره‌گیری از شیوه‌های مستقیم (در بخش توصیف) و غیرمستقیم (در بخش گفت‌وگوها) او را به مخاطب معرفی می‌کند. راوی نیز یکی دیگر از شخصیت‌های داستان است که کنش او در حاشیه کنش‌های مصطفی، داستان را پیش می‌برد. مخاطب از طریق گفت‌وگوها و تک‌گویی‌ها با شخصیت راوی آشنا می‌شود. همسر راوی نیز از طریق گفت‌وگوهای محدودی که میان او و راوی رخ می‌دهد، شناسانده می‌شود.

۴ - ۹ - ۳) صحنه‌پردازی

عنصر زمان در این داستان نقش زیادی ندارد و مضمون و محتوای داستان این عدم توجه را توجیه می‌کند. اگرچه در میان توصیفات نویسنده، مکان جایی ندارد اما مکانی که رخدادها در آن اتفاق می‌افتد از ابتدا تا انتها در روایت داستانی مستتر است.

۴ - ۹ - ۴) زاویه دید

داستان از زبان اول شخص روایت می‌شود. راوی یکی از شخصیت‌های داستان است و مخاطب اشخاص داستان و رخدادها را از دریچه نگاه او می‌بیند. ماجراهایی که وی روایت می‌کند، مستند و حاصل مشاهدات اوست. علاوه بر این، راوی ما را از درونیات خویش نیز آگاه می‌کند.

۴ - ۹ - ۵) گفت‌وگو

«گفت‌وگو» در این داستان نقشی پررنگ دارد. عمده شخصیت‌پردازی‌ها از طریق توصیف و گفت‌وگو انجام شده است. نویسنده کوشش کرده است تا تشخیص و فردیت را در نوع بیان و کاربردهای زبانی شخصیت‌ها لحاظ کند.

تحلیل

داستان «کباب غاز» با زبانی طنز و رویکردی انتقادی و اجتماعی روایت می‌شود. نویسنده در پرداخت شخصیت «مصطفی» به نوع تیپ‌سازی دست زده است و وی را نماینده انسان‌های فرصت‌طلب و متظاهر معرفی می‌کند. همچنین ما در این داستان با انسان‌هایی خرافاتی، ناآگاه، چاپلوس، حریص، مادی‌گرا و ریاکار روبه‌رو هستیم که با بیانی لطیفه‌گون معرفی و نقد می‌شوند. نثر در بخش‌هایی از یکدستی فاصله می‌گیرد و سادگی و ایجاز جای خود را به پیچیده‌گویی و اطناب می‌دهد.

حذفیات این داستان غالباً به کنایاتی اختصاص دارد که جنبه ناسزا دارد. یکی از حذفیات قابل تأمل در این داستان، حذف نام صادق هدایت است. در متن اصلی این داستان «مشغول خواندن حکایت‌های بی‌نظیر صادق هدایت» آمده و در کتاب درسی به «لم داده بودم و مشغول خواندن بودم» (امینی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۸) تغییر کرده است.

۴ - ۱۰) ارمیا

این داستان درباره جوانی به نام «ارمیا» است که در خانواده‌ای متمول رشد کرده است. وی عاشق جهاد است و با وجود مخالفت‌های خانواده‌اش به جنگ می‌رود. در جبهه با فردی به نام مصطفی آشنا می‌شود و تحت تأثیر کردار و گفتار وی قرار می‌گیرد و متحول می‌شود.

۴ - ۱۰ - ۱) نگاهی به عناصر داستانی

۴ - ۱۰ - ۱ - ۱) پیرنگ

در داستان اصلی اجزای پیرنگ روشن و به خوبی پرداخته شده است. داستان به لحاظ ساختاری پیوستگی دارد. نویسنده هم خط افقی را در داستان لحاظ کرده و هم حرکت دورانی و چرخشی را که با بازگشت به گذشته همراه است. متنی که در این درس می‌خوانیم برشی از یک حادثه است که ابتدا فضای آرامی را وصف کرده و در ادامه جدال و کشمکش‌هایی را شاهد هستیم.

۴ - ۱۰ - ۱ (شخصیت پردازی)

«ارمیا» شخصیت اصلی این داستان است و «مصطفی» نیز پا به پای او در داستان حضور دارد. نویسنده در پرداخت شخصیت‌ها از شیوه مستقیم و غیرمستقیم بهره برده است. شخصیت‌ها نزدیکی زیادی با شخصیت‌های ساخته و پرداخته ادبیات دفاع مقدس دارند و از همین رو کلیشه‌ای، تکراری و قابل پیش‌بینی هستند.

۴ - ۱۰ - ۳ (صحنه پردازی)

زمان در این داستان در پاره‌ای قسمت‌ها خطی و افقی پیش می‌رود و در بعضی بخش‌ها به سبب بازگشت به گذشته دایره‌ای است. مکان نیز نقش مؤثری در رخدادها و دگرگونی‌ها ایفا کرده است.

۴ - ۱۰ - ۴ (زاویه دید)

داستان از زبان سوم شخص مفرد از نوع دانای کل روایت می‌شود. راوی بر احوالات و دروئیات شخصیت‌ها اشراف دارد. اگرچه این انتخاب، امکانات زیادی در اختیار نویسنده قرار داده اما بر کلیشه‌ای شدن داستان و یک‌صدایی شدن آن تأثیر گذاشته است.

۴ - ۱۰ - ۵ (گفت‌وگو)

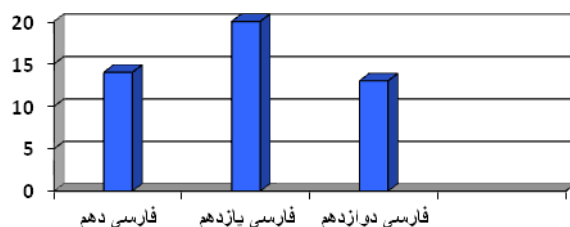
در متنی که در این درس با آن مواجه هستیم، «گفت‌وگو» نقشی تعیین‌کننده در معرفی شخصیت دارد. نویسنده، آرامش، شوخ‌طبعی و سلوک رفتاری اشخاص داستان را در گفت‌وگوها نشان داده است.

تحلیل

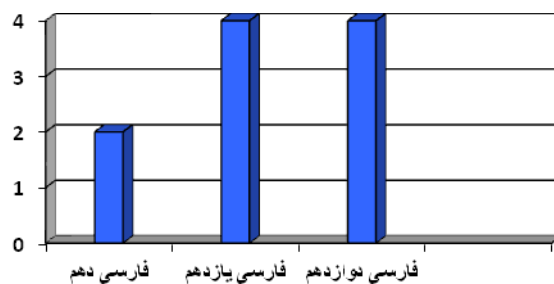
در رمان «ارمیا» نویسنده موضوعی را انتخاب کرده است که پیش از این نیز توسط نویسندگان دیگر پرداخته شده بود. اما در این رمان، نویسنده بر مناسبات و روبه‌رویی افراد حاضر در جنگ با دیگران تمرکز می‌کند. نگرش‌ها و دغدغه به شیوه‌ای که به بافت داستان و روایت آن لطمه نزنند، نقد می‌شود. اما در این بریده داستانی این هدف لحاظ نشده است و مؤلفان صحنه شهادت و گفت‌وگوهای پیش از آن را انتخاب کرده‌اند. از همین رو با متنی تکراری و کلیشه‌ای روبه‌رو هستیم.

سال چاپ	تعداد درس	تعداد صفحه	نام کتاب	پایه تحصیلی
۱۳۹۶	۱۸	۱۶۶	فارسی (۱)	دهم
۱۳۹۶	۱۸	۱۶۷	فارسی (۲)	یازدهم
۱۳۹۷	۱۸	۱۶۳	فارسی (۳)	دوازدهم

جدول (۱) توصیف کتاب‌های فارسی مورد بررسی



نمودار شماره (۱) فراوانی ادبیات داستانی در کتاب‌های فارسی براساس تعداد (در این بررسی داستان‌های کلاسیک و معاصر ایرانی و خارجی اعم از نظم و نثر لحاظ شده‌اند).



نمودار شماره (۲) فراوانی ادبیات داستانی معاصر فارسی در کتاب‌های فارسی براساس تعداد

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی عناصر داستانی در داستان‌های کتاب‌های فارسی دوره دوم متوسطه پرداختیم. بدین منظور عناصر پیرنگ، شخصیت‌پردازی، صحنه‌پردازی، زاویه دید و گفتگو مورد بررسی قرار گرفت. افزون بر این خلاصه‌ای از هر داستان و تحلیل محتوایی آن‌ها نیز انجام شد. از مجموع متون مختلف نظم و نثر معاصر فارسی در کتاب‌های فارسی دوره دوم متوسطه تنها ده مورد داستان است. در کتاب‌های فارسی با چهار داستان کوتاه مستقل روبه‌رو هستیم و موارد دیگر (شش مورد) بریده‌هایی از رمان‌ها هستند. پایه دهم دو داستان و پایه‌های یازدهم و دوازدهم مشتمل بر چهار داستان است.

عناصر پیرنگ در داستان‌های کوتاه مستقل قابل بررسی است و داستان‌هایی که بریده رمان‌ها می‌باشند دچار ضعف پیرنگ هستند. غالب شخصیت‌پردازی‌ها به شیوه مستقیم و غیرمستقیم صورت گرفته است. از میان ده داستان مورد بررسی هشت شخصیت نوجوان هستند و این انتخاب سبب همراهی بیشتر دانش‌آموزان و هم‌ذات‌پنداری آن‌ها با داستان می‌شود. صحنه‌پردازی به شیوه‌ای انجام شده که دانش‌آموز با عناصر زمان و مکان درگیر نمی‌شود و این عنصر در حاشیه عناصر دیگر قرار گرفته است. در بخش زاویه دید، از مجموع ده داستان، هفت داستان از زاویه اول شخص و سه داستان از زاویه سوم شخص از نوع دانای کل روایت شده است. از آنجا که در داستان‌های معاصر زاویه دید اول شخص، زاویه‌ای غالب است و همراهی بیشتر مخاطب را در پی دارد، انتخابی هوشمندانه بوده است. در بخش گفت‌وگو از مجموع ده داستان، شش داستان گفت‌وگوهایی اندک و بدون فردیت زبانی داشته‌اند. محور این داستان‌ها بر مدار توصیف گردیده است. چهار داستان از عنصر گفت‌وگو بیشتر بهره برده‌اند و از این طریق شخصیت‌پردازی و رخداد‌های داستان را پیش برده‌اند. از مجموع ده داستان، چهار داستان به موضوعات دفاع مقدس پرداخته‌اند. چهار داستان بر موضوعات اجتماعی و فرهنگی متمرکز شده‌اند و دو داستان نیز موضوعاتی تاریخی دارند.

از آنجا که داستان‌های مندرج در کتاب‌های درسی بریده‌هایی از داستان‌هایی بلندتر و رمان‌های حجیم است، به نقص و آشفتگی غالب عناصر داستانی خاصه شخصیت‌پردازی و صحنه‌پردازی،

منجر شده است. تلخیص داستان‌های کوتاه با آسیب کمتر عناصر داستانی و محتوا همراه بوده است. از آنجا که تلخیص و گزینش بریده‌رمان‌ها با اعمال سلیقه مؤلفان و برجسته‌کردن مضامین مورد نظرشان همراه بوده، محتوا و درون‌مایه رمان‌ها دستخوش تغییرات و به دنبال آن آسیب بیشتری شده است.

مطالعه و بررسی داستان‌های کتاب‌های درسی نشان داد که اگرچه از نظر انتخاب داستان‌های درام و کمدی تنوع به چشم می‌خورد، اما در داستان‌های کتاب‌های درسی تنوع موضوعی وجود ندارد. از اینرو داستان‌هایی با رویکرد جادویی، هیجان‌انگیز و حادثه‌ای در این کتاب‌ها به چشم نمی‌خورد.

یکی از پیشنهادات برای ارتقای سطح کیفی داستان‌ها مشاوره و هم‌فکری با نویسندگان حوزه ادبیات کودک و نوجوان است. مؤلفان می‌توانند با همراهی ایشان متونی متناسب با نیازهای نوجوانان انتخاب کنند. اگرچه ادبیات تعلیمی متونی مناسب برای محیط‌های آموزشی است؛ اما خواندن متونی که برای دانش‌آموزان لذت‌بخش است، می‌تواند سبب علاقه‌مندی و تحکیم و تداوم این علاقه به ادبیات و داستان گردد. در کتاب‌های فارسی دوره متوسطه دوم جای داستان‌های کوتاه خالی است. این پژوهش نشان داد که مؤلفان به رمان‌ها و داستان‌های بلند گرایش دارند. بریده‌رمان‌های بلند و رمان‌ها دانش‌آموزان را با متونی ناقص روبه‌رو می‌کند و اهداف داستانی در این میان گم می‌شوند.

فهرست منابع و مآخذ

الف: کتب

- ۱ - آدمیت، فریدون، (۱۳۲۸)، *امیرکبیر و ایران*، تهران: خوارزمی، چاپ سوم.
- ۲ - امینی، احمدرضا و صفری، جواد و صافی، حسین و سیدکشمیری، مسعود و بهبود، بهناز و سعادت‌مندی، سروش و فرج‌زاده، رعنا و دالایی، شهلا و پزشکی، فاطمه و اجابتی، کبری و ثابت کلاچاهی، حمید، (۱۳۹۷)، *فارسی (۳) پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه*، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ دوم.
- ۳ - داد، سیما، (۱۳۸۳)، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، تهران: مروارید، چاپ دوم.
- ۴ - فورسترادوارد، مورگان، (۱۳۵۷)، *جنبه‌های رمان*، ترجمه ابراهیم یونسی، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- ۵ - محمدیان، محی‌الدین و وفایی، عباسعلی و صلاحی مقدم، سهیلا و مراد صحرایی، رضا و عمرانی، غلامرضا و نجفی پازکی، معصومه و دانشگر، مریم و کجانی حصاری، حجت و یوسفی، نادر و نوریان، محمد، (۱۳۹۶) *الف. فارسی (۱) پایه دهم دوره دوم متوسطه*، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ۶ - _____، (۱۳۹۶)، *ب. فارسی (۲) پایه یازدهم دوره دوم متوسطه*، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ۷ - میرصادقی، جمال، (۱۳۷۶)، *عناصر داستان*، تهران: سخن، چاپ سوم.
- ۸ - هایرهوارد، آبرامز، (۱۳۸۶)، *فرهنگ‌واره اصطلاحات ادبی*، ترجمه سیامک بابایی، تهران: جنگل جاودانه.
- ۹ - یوسفی، محمدرضا، (۱۳۸۷)، *ادبیات کهن و ادبیات نو*، تهران: پیک بهار.
- ۱۰ - یارمحمدیان، محمدحسین، (۱۳۷۷)، *اصول برنامه ریزی کتاب درسی*، تهران: یادواره.

ب- مقالات

- ۱۱ - رحمانی خیاوی، صمد، (۱۳۸۶)، بررسی داستان کوتاه در کتاب‌های چهارساله دبیرستان، نشریه آموزش زبان و ادب فارسی، سال هفتم، شماره ۶۶. صص: ۶۰ - ۶۷.
- ۱۲ - کلاته میمری، هاجر، (۱۳۹۰)، بررسی میزان انطباق محتوای کتاب‌های درسی زبان فارسی دوره راهنمایی با هویت ملی در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸، به راهنمایی حسین قاسم‌پور اقدم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور.
- ۱۳ - یوزباشی، توحید، (۱۳۸۳)، چالش‌های زبانی (نگاهی انتقادی به کتاب‌های زبان فارسی دوره دبیرستان)، مجله رشد آموزش زبان فارسی، شماره ۷۱، صص: ۴۶ - ۵۱.